



International Conference on The Second Phase of the Islamic Revolution : دومین همایش بین المللی گام دوم انقلاب اسلامی :

The School of Martyr Soleimani ;

مکتب شهید سلیمانی

A Model for Training Jihadi Civilization-Making Managers

الگوی تربیت مدیران جهادی تمدن ساز



International Conference on The School of Martyr Soleimani (ICSMS 2021)

Educational components of Shahid Soleimani school

Roohalah abbaszadeh *

Abstract

One of the most fundamental elements of the realization of the new Islamic civilization is the element of education, and in the second step of the revolution, which is the step of self-construction, socialization and civilization, the issue of education is extremely important. Different life situations expose human beings to learning, growth and creativity. Jihadi life is also one of the situations that provide the ground for human growth and perfection in different dimensions. Martyr Soleimani is one of the personalities. There are influential people who never left jihadi life and have a style in the valley of jihadi education. Sardar Soleimani grew up in the context of jihadi education and his practical behavior can provide the model of jihadi education that our society needs today for It is a role-playing game in today's world and civilization. Therefore, the purpose of this study is to investigate the educational components of Shahid Soleimani school. This research has been done by content analysis method and by referring to the existing content from the life of Martyr Salmani, its educational themes have been extracted. The result of this research is to present the educational components of Shahid Soleimani school in cognitive, tendency and behavioral categories with jihadi approach.

Keywords: *Jihadi training, individual training, social training, Shahid Soleimani, modern Islamic civilization.*

* assistant professor at the Culture and Media Department of Shahid Mahallati Higher Education Complex. Iran Asd.1360@yahoo.com

مؤلفه‌های تربیتی مکتب شهید سلیمانی

روح اله عباس‌زاده *

چکیده

یکی از زیربنایی‌ترین عناصر تحقق تمدن نوین اسلامی، عنصر تربیت است و در گام دوم انقلاب که گام خودسازی، جامعه‌پردازی و تمدن‌سازی است، موضوع تربیت از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار است. موقعیت‌های مختلف زندگی، انسان‌ها را در معرض یادگیری و رشد و خلاقیت قرار می‌دهد، زندگی جهادی نیز از موقعیت‌هایی است که زمینه رشد و کمال انسان در ابعاد مختلف را فراهم می‌آورد، شهید سلیمانی یکی از شخصیت‌های تأثیرگذاری هستند که زندگی جهادی را هیچ وقت ترک نکردند و صاحب سبک در وادی تربیت جهادی هستند، سردار سلیمانی در بستر تربیت جهادی رشد کردند و رفتار عملی ایشان نیز می‌تواند الگوی تربیت جهادی را ارائه نماید که نیاز جامعه امروز ما برای نقش‌آفرینی در دنیای کنونی و تمدن‌سازی است. لذا هدف این پژوهش، بررسی مؤلفه‌های تربیتی مکتب شهید سلیمانی می‌باشد. این پژوهش به روش تحلیل مضمون انجام شده و با مراجعه به محتوای موجود از زندگی شهید سلیمانی، مضامین تربیتی آن استخراج شده است. حاصل این پژوهش ارائه مؤلفه‌های تربیتی مکتب شهید سلیمانی در مقوله‌های شناختی، گرایشی و رفتاری با رویکرد جهادی است.

کلیدواژه‌ها: تربیت جهادی، تربیت فردی، تربیت اجتماعی، شهید سلیمانی، تمدن نوین اسلامی.

مقدمه

در اسلام، احکام و دستورات اقتصادی، سیاسی و اجتماعی همه مقدمه و ناظر به «تربیت انسان» است یعنی اسلام به تمام ابعاد تربیت توجه داشته و در آیات قرآن کریم و روایات معصومین صریحاً به آن اشاره شده است (تاج الدین و بازارگادی، ۱۳۸۸) در گام دوم انقلاب هم که گام خودسازی، جامعه‌پردازی و تمدن‌سازی است پرداختن به موضوع تربیت اسلامی از جایگاه بالایی برخوردار است؛ از نظر مقام معظم رهبری «مهم‌ترین موضوع تمدنی ما تعلیم و تربیت است» (بیانات امام خامنه‌ای، ۱۳۹۸/۲/۱۱) و «مسأله‌ی فرهنگ و تعلیم و تربیت، مسأله‌ی اول در نظام ماست. در بلند مدت، هیچ چیز به اندازه‌ی تعلیم و تربیت اهمیت ندارد». (بیانات امام خامنه‌ای، ۱۳۶۸/۳/۲۶) هدف از تحقق فلسفه تربیتی اسلام، عرضه مدلی است که توان رویارویی با خطراتی که جهان اسلام با آن روبه‌رو است را داشته باشد و پاسخگو به نیازها و آرمانهای جهان اسلام باشد و تربیت مسلمانانی برای ورود به معرکه اندیشه تربیتی جهانی است تا آن را از بحران‌های موجود برهاند. (کیلانی، ۱۳۸۹، ص ۱۰۲) پرداختن به موضوع «مبارزه» از دیدگاه تربیتی در ارائه الگویی به انسان به منظور رویارویی با درگیری‌های فکری و رفتاری فردی و جمعی راهگشاست. در این راستا، لازم است به «مبارزه» به عنوان کلیدواژه اصلی در تربیت اسلامی توجه ویژه‌ای شود و به گونه‌ای در نظام تعلیم و تربیت جایگاه ویژه‌ای در اهداف و روش پیدا کند. (رجبی و نوروزی، ۱۳۹۴، ص ۸۰) الگوی اصلی چنین تربیتی، تربیت جهادی است زیرا تربیت جهادی، الگوی مطلوبی است که می‌تواند یاریگر مسلمانان در مواجهه با دشمنان و زمینه‌ساز تحقق تمدن نوین اسلامی باشد. در جهان امروز یکی از شخصیت‌هایی که توانست مصداق بارز تحقق تربیت جهادی باشد، سردار شهید سلیمانی بود که به تعبیر رهبری باید به عنوان مکتب (بیانات امام خامنه‌ای، ۱۳۹۸/۱۰/۲۷) مورد توجه قرار گیرد. شهید سلیمانی همواره جهادگری را سرلوحه زندگی خویش قرار داده بود و با تلاش شبانه‌روزی توانست هم قله‌های تربیت اخلاقی و فردی را فتح نماید، هم در اوج تربیت اجتماعی قرار گیرد. تلاش مستمر و جهادی بودن دائمی، ویژگی‌های خاصی برای سردار سلیمانی به وجود آورده بود که زمینه‌ساز ارتقای ایمان و تقوای الهی و و دیگران را هم تشویق به ثبات قدم در این راه می‌کردند؛ در نامه شهید سلیمانی به محافظ خود چنین آمده است: «حسین عزیزم، سعی کن پیوسته تروتازه بودن جهادی را در هر حالتی در خودت حفظ کنی، اجازه نده روزمرگی روزانه و دنیا یاد دوستان شهیدان را از یادت ببرد. ... چرا که فراموشی آنها حتماً فراموشی خداوند سبحان است.» (کریمی، ۱۳۹۹، ص ۸۷)

در فرآیند تربیت، پیامبران ابتدا گرایش‌های فطری و حقیقت‌جویی را در انسان‌ها بیدار می‌کردند سپس با دادن شناخت و معرفت به انسان‌ها زمینه عمل آگاهانه را فراهم می‌کردند. یعنی هر سه مؤلفه (مقوله) گرایش‌ها و تمایلات، شناخت و معرفت (فرایندهای ذهنی) و رفتار از نظر اسلام دارای اهمیت است. شناخت و تمایلات هر دو مقدمه رفتاراند، اگرچه که گرایش‌ها به تنهایی نیز می‌تواند منجر به رفتار شود ولی رفتار عالمانه فقط با شناخت و بصیرت ممکن است (تاج الدین و بازارگادی، ۱۳۸۸). در این پژوهش پس از تعریف اصطلاح تربیت و جهاد، تلاش خواهیم کرد

مؤلفه‌های تربیتی را استخراج کنیم. مؤلفه در لغت به معنای سازه، سازنده و تشکیل دهنده است (حق شناس و همکاران، ۱۳۸۳، ص ۲۷۵) و در اصطلاح تعدادی امور مشابه تحت یک سازه را مؤلفه می‌نامند. برای استخراج مؤلفه‌های تربیتی از روش تحلیل مضمون استفاده شده و با مراجعه به سخنان، متون و مصاحبه‌های انجام شده درباره شهید سلیمانی مؤلفه‌های تربیتی به دست آمد که در نهایت در سه مقوله شناختی، گرایشی و رفتاری سازمان داده شدند.

ادبیات مفهومی پژوهش

از آنجاییکه پژوهش حاضر پژوهش توصیفی تحلیلی است لذا چهارچوب نظری نداشته و چهارچوب مفهومی خواهیم داشت. لذا مفاهیم اصلی پژوهش، تربیت و جهاد می‌باشد که در پایان نیز به تربیت جهادی اشاره خواهیم کرد.

تعریف تربیت

راغب اصفهانی بر آن است که: «تربیت، دگرگون کردن گام به گام و پیوسته هر چیز است تا آن گاه که به انجامی که آن را سزد برسد.» (راغب اصفهانی، ۱۸۴/ در تعریف اصطلاحی تربیت آورده‌اند که انتخاب رفتار و گفتار مناسب، ایجاد شرایط و عوامل لازم و کمک به شخص مورد تربیت تا بتواند استعدادهای نهفته اش را در تمام وجود، و به طور هماهنگ پرورش داده، شکوفا سازد و به تدریج به سوی هدف و کمال مطلوب حرکت کند. (امینی، ۱۳۸۴، ص ۲۷) یا در تعریف دیگر آمده است که مربی با استفاده از شیوه‌های تربیتی، همه امکانات و شرایط لازم را برای پرورش شخص مورد تربیت فراهم می‌سازد تا فرد، راه خویش را بیابد و استعدادهای نهفته اش را پرورش داده، به فعلیت برساند. (همان)

از منظر شهید مطهری، تربیت عبارت است از پرورش دادن؛ یعنی استعدادهای درونی ای که بالقوه در یک شیء موجود است، به فعلیت درآوردن و ایجاد تعادل و هماهنگی میان آنها تا از این راه متری به حد اعلای کمال (خود) برسد. (مطهری، ۱۳۸۳، ص ۴۳)

در تعریف دیگر نیز «تربیت یعنی برانگیختن، شکوفا کردن و رشد دادن استعدادهای انسان در جهت کمالی که شایسته اوست، از راه فراهم سازی تمام و یا بخش بزرگی از زمینه‌ها و عوامل لازم و مؤثر در کمال و شکوفایی استعدادهای انسانی و نیز رفع موانع و اسباب بازدارندگی کمال و تعالی انسان از سوی مربی، همراه با تلاش و دلسوزی تربیت کننده، به گونه ای که متری به اندازه تربیت خود، وامدار و مدیون مربی باشد.» (هاشمی، ۱۳۸۸، ص ۵۵)

در سند تحول آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران، تربیت چنین تعریف شده است: "تربیت، فرایند تعاملی زمینه ساز تکوین و تعالی پیوسته هویت متریان است به صورتی یکپارچه و مبتنی بر نظام معیار اسلامی به منظور هدایت ایشان در مسیر آماده شدن برای تحقق آگاهانه و اختیاری مراتب حیات طیبه در همه ابعاد" (شورای عالی آموزش و پرورش، ۱۳۹۰).

از منظر قرآن کریم انسان موجودی ارزشمند و کرامت یافته است «لقد کرّمنا بنی آدم» که در

بهترین و زیباترین اندازه گیری ها و قالبها آفریده شده است « لقد خلقنا الانسان في احسن تقويم ». این انسان باید با برخورداری از توانمندی های شگرف و ظرفیت بیکرانه ای که در وجود او نهاده شده و با استفاده از هدایت الهی سیر تکاملی خود را رقم زند و متخلق به اخلاق الهی شود تا غایت خلقت او که رسیدن به اوج خلیفه الهی و خداگونگی است، تحقق یابد. (ذوعلم، ۱۳۸۰ ص ۲۴).

جهاد

بدون تردید پایه گذاری، تکوین و گسترش تمدن ها فقط در پرتو تلاش مستمر انسان ها میسر است و یکی از شاخصه های بارز تمدن ها، تلاش و کوشش مستمر افراد آن است. در آموزه های اسلامی این تلاش مستمر مورد توجه تام قرار گرفته و از آن با عنوان مجاهدت یاد شده است که تأثیری بس عظیم در رشد و دوام تمدن اسلامی دارد. این مجاهدت مختصات مربوط به خود را دارد که در هیچ تمدنی مسبوق به سابقه نیست. (زمانی محجوب، ۱۳۹۶) در بیان مقام معظم رهبری، واژه مجاهدت واژه ای استراتژیک است که با توجه به آثار عمیق آن در رشد و دوام تمدن نوین اسلامی، در مناسبت های مختلف همه را به مجاهدت در همه امور دعوت کرده اند. (مرتضی اکبری و فریدون رضائی، ۱۳۹۴ ص ۹۶)

در مکتب اسلامی عموم مسلمانان به تلاش دسته جمعی برای دفع مخاطرات اجتماعی از جامعه اسلامی، مکلف گردیده اند. قرآن کریم به مسلمانان می آموزد که هر کس باید به اندازه توان خود به تولید قدرت جمعی بپردازد؛ تا جایی که دشمنان از تجاوز و هجوم به مسلمانان منصرف گردند. (بیات، ۱۳۹۰، ص ۴۹۰) زیرا جهاد «بذل جان و مال برای اعتلای کلمه اسلام و اقامه شعائر دین است». (مکی عاملی، ۱۴۱۰، ج ۲، ص ۳۷۹) جهاد، به کار گرفتن نهایت تلاش و توان در مقابله با دشمن است و موضوع جهاد در اسلام امری همیشگی است برخلاف قتال که در شرایط خاصی لازم است. بنابراین جهادگری آمادگی همیشگی با به کارگیری تمام توان برای مقابله با دشمن خواهد بود.

قرآن کریم در آخرین آیهی سورهی عنکبوت به نتایج تلاش و نیکوکاری اشاره می کند: «وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ» (عنکبوت: ۶۹)؛ «و کسانی که در (راه) ما تلاش کنند، قطعاً به راه های خود رهنمونشان خواهیم کرد؛ و مسلماً، خدا با نیکو کاران است». «جهاد» به معنای کوشش است و شامل هر نوع تلاش در راه خدا می شود، که شامل موارد زیر است:

(الف) جهاد نظامی و مبارزه با دشمنان اسلام؛

(ب) جهاد فرهنگی و تلاش در راه اعتلای علمی و فرهنگی مسلمانان؛

(ج) جهاد با نفس و مبارزه با هوس های سرکش درون؛

(د) جهاد سازندگی و تلاش در راه پیشرفت های فنی و ساختن زندگی بهتر برای مسلمانان و امداد

مادی به آنان. (رضایی اصفهانی، ۱۶، ص ۱۱۳)

قرآن کریم در آخرین آیهی سورهی حج، مسلمانان را دعوت می کند که حق جهاد و تلاشگری را ادا کنند: «وَجَاهِدُوا فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ» (حج: ۷۸)؛ «و در (راه) خدا جهاد کنید، آن گونه که حق جهاد (در راه) اوست». مقصود از «جهاد» در این آیه، فقط مبارزه ی مسلحانه با دشمنان نیست

بلکه معنای عام لغوی آن مراد است که شامل هرگونه تلاش در راه خدا برای انجام کارهای نیک و مبارزه با هوس‌ها و پیکار با دشمنان ستمگر می‌شود. مقصود از «حقّ جهاد» آن است که انسان از نظر کیفیت و کمیت اعمال کاملاً تلاش کند که حقّ مطلب را ادا کند و به‌ویژه در مورد اخلاص در عمل و انجام دادن کارها برای خدا کوشش نماید؛ چراکه این مرحله از سخت‌ترین مراحل جهاد با نفس است. طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۷، ص ۱۵۴)

جامعه‌ای که در راه خدا مجاهده کند، خیرات و برکات را برای افراد به ارمغان می‌آورد و چنین جامعه‌ای سعادت‌مند است، قرآن کریم در آیه‌ی هشتاد و هشتم سوره‌ی توبه چنین می‌فرماید: «لَکِنَّ الرُّسُولَ وَالدِّینَ آمَنُوا مَعَهُ جَاهِدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ وَأَوْلِیَکُمْ لَهُمُ الْخَیْرَاتُ وَأُولَئِکَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» (توبه: ۸۸)؛ «ولی فرستاده [خدا] و کسانی که با او ایمان آوردند، با اموالشان و جان‌هایشان جهاد کردند؛ و آنان، همه‌ی نیکی‌ها مخصوص آن‌هاست؛ و تنها آنان رستگاران‌اند». سرانجام کار این جامعه این خواهد شد که انواع نیکی‌ها و سعادت‌ها و پیروزی‌ها و خیرات مادی و معنوی در این جهان و جهان دیگر نصیبشان است (وَأُولَئِکَ لَهُمُ الْخَیْرَاتُ) و گروه رستگاران همین‌ها هستند (وَأُولَئِکَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ) زیرا کلمه «الخیرات» به‌اصطلاح صیغه جمع توأم با الف و لام است و عمومیت از آن استفاده می‌شود، تعبیر جامعی است که هرگونه موفقیت و پیروزی و موهبت و خیری را اعم از مادی و معنوی شامل می‌گردد. افراد باایمان آن‌چنان روشن بینی و فهم و درک و همت بلند دارند که تنها راه پیروزی بر مشکلات را جهاد، آن‌هم با تمام امکاناتشان، یافته‌اند. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۸، ص ۷۵-۷۶)

خداوند کسانی را دوست می‌دارد که در راه او پیکار می‌کنند همچون بنائی آهنین و سدی فولادین (إِنَّ اللَّهَ یُحِبُّ الَّذِینَ یُقَاتِلُونَ فِی سَبِیلِهِ صَفًّا کَانَتْهُمْ بُنْیَانٌ مَّرْصُوعٌ).^۱ در اینجا منظور این است که مجاهدان راه حق در برابر دشمن یکدل و یک جان و مستحکم و استوار بایستند، گویی همه یک واحد به‌هم پیوسته‌اند که هیچ شکافی در میان آن نیست. لذا در تفسیر علی بن ابراهیم می‌خوانیم که در توضیح این آیه فرمود: «بصطفون کالبنیان الذی لا یزول»؛ «مجاهدان راه خدا صف می‌کشند همانند بنائی که هرگز ویران نمی‌گردد». (حویزی، ۱۴۱۵، ج ۵، ص ۳۱۱)

خدای متعال شرط پیشرفت و بالندگی جامعه اسلامی را در پایداری و استقامت معرفی کرده و مؤمنان را به ثبات قدم فرامی‌خواند: «یا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا إِذَا لَقِیْتُمْ فِتْنَةً فَاقْبِئُوا وَادْكُرُوا اللَّهَ کَثِیرًا لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ» (انفال: ۴۵)؛ «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! هنگامی که (در میدان نبرد) با گروهی روبه‌رو می‌شوید، ثابت قدم باشید! و خدا را فراوان یاد کنید تا رستگار شوید»؛ بنابراین در کنار تجهیزات نظامی، یاد خدا و استقامت و پایداری مؤمنان، رمز پیروزی آن‌ها است لذا ترقی انسان‌ها در استقامت و پایداری بر سختی‌ها و مشکلات است و در کوره‌های حوادث و مشکلات است که استعدادها و درونی انسان شکوفا می‌شود و افراد باایمان از غیر آن شناخته می‌شوند.

صحنه تعارض‌ها از لحظه آفرینش انسان و بر اساس اقتضای خلقت او ایجاد می‌شود؛ آنجا که

^۱ «صفا» در اینجا منصوب است به‌عنوان حال.



هدف‌ها دو تا شوند و راه‌ها جدا شوند و انسان بین خودپرستی و خداپرستی باید دست به انتخاب بزند. این درگیری در درون و مبارزه‌های داخلی، عامل مبارزه‌های گسترده بیرون است. این قانون درگیری و قتال است که تمامی قلمروهای جهاد و مبارزه را دربرمی‌گیرد. (صفایی حائری، ۱۳۸۸، ص ۳۹-۴۵) بنا بر ماهیت انسان، مفهوم «مبارزه» یکی از مفاهیم اساسی در فرآیند رشد اوست (رجبی، ۱۳۹۴، ص ۷۸).

انسان با ورود به میدان نبرد و درگیری میان تمایلات و خواسته‌های حق و باطل، رشد مضاعف می‌کند. یکی از اهداف تربیت می‌تواند چگونگی پرورش انسانهای مجاهد و مبارز برای مدیریت نبردهای زندگی باشد. تلفیق اندیشه و اراده در قلمروی تاریخ و اجتماع، آینده ساز است و از خلال وجود ذهنی انسان و تلفیق اراده و اندیشه، حرکتی در انسان به وجود می‌آید (صدر، ۱۳۵۹: ۶۵-۶۴) هنگامی که میدان تقابل‌ها و تعارض‌ها مطرح شود و ضرورت تلاش و کوشش انسان در مواجهه با تعارض‌ها مطرح باشد، از «جهاد» سخن به میان می‌آید. (رجبی، ۱۳۹۷، ص ۳۳)

در قرآن از دو دسته انسانها تحت عنوان قاعدان و مجاهدان نام برده شده است: «لا یستوی القاعدون من المؤمنین غیر اولی الضرر والمجاهدون فی سبیل الله باموالهم و انفسهم فضل الله المجاهدین باموالهم و انفسهم علی القاعدین درجه و کلا وعد الله الحسنی و فضل الله المجاهدین علی القاعدین اجرا عظیما» (نساء: ۹۵) قاعدان و مجاهدان، وصف دو گروه از انسانهای مؤمن است که در بسیاری از صفات پسندیده انسانی مشترک هستند. آنان اهل ایمان هستند؛ نماز می‌خوانند؛ روزه می‌گیرند و حتی خداوند در قرآن، قاعدان را، که به علت عذر موجه در جهاد شرکت نکرده‌اند، مورد سرزنش قرار نمی‌دهد! اما در مقایسه با گروه مجاهدین با صراحت به تفاوتها و فاصله بین دو اشاره می‌کند. قاعدان فضیلت کسانی را که به جهاد رفته و شهید یا بر دشمن پیروز شدند، ندارند. این آیه ضمن اینکه قصد تشویق مؤمنین به حضور در میدان درگیری را دارد، انسانها را نسبت به پیشی‌گیری در خیر و فضیلت بیدار می‌کند (طباطبایی، ۱۳۸۶، ج ۵: ۷۲). نقطه اصلی تفاوت بین قاعدان و مجاهدان که هر دو از انسانهای با ایمان هستند در اقدام و حرکت آنها و سبقت برای ورود به میدان «مبارزه» است. هر حرکت و تلاشی که در صدد رفع موانع باشد مبارزه است.

بر اساس تعریف تربیت اسلامی، انسان جهادی انسانی است که در جهت ربوبی شدن خود و دیگران تمام تلاش خود را به کار می‌بندد. (رجبی و نوروزی، ۱۳۹۴، ص ۹۲) «تربیت جهادی» یعنی تربیت انسانهایی با تفکر جهادی که همواره خود را در میدان مبارزه می‌یابند. تربیت مبتنی بر جهاد، تربیتی است که توجه همزمان و همیشگی به تربیت ابعاد درون فردی و برون فردی او دارد؛ در بعد درونی بر اساس پرورش اخلاق، مقدمات لازم برای رفتن به صحنه اجتماع را فراهم می‌کند تا در عرصه اجتماع بعد برون فردی انسان پرورش یابد و آمادگی روحی و فکری مقابله و مبارزه در او عملیاتی گردد. (رجبی، ۱۳۹۷، ص ۳۵-۳۷) بنابراین تربیت جهادی، تربیتی است که، فرد همیشه آماده تلاش و مجاهدت مستمر برای نزدیک شدن به خدا و تحقق اهداف الهی در جامعه و مبارزه با منع-کنندگان از مسیر انسانی الهی در جامعه اسلامی است، لذا هم در تربیت اخلاقی و فردی و هم در

تربیت اجتماعی، پرتلاش است و همین تلاش و جهادگری مستمر زمینه رشد خلاقیت‌ها و تقویت اخلاق فردی و اجتماعی فرد می‌گردد.

پیشینه پژوهش

یکی از پژوهش‌هایی که در این زمینه انجام شده است، پژوهشی است با عنوان «ماهیت «مبارزه» و قلمروهای تربیتی آن در آموزه‌های اسلامی» است که در آن عوامل مفهومی مشترک در مبارزه و تربیت استخراج شده سپس بر اساس مفهوم مبارزه، ابعاد و قواعد آن تحلیل و قلمروهای تربیتی مبارزه تبیین و تربیت جهادی استنتاج شده است. نویسندگان میدان نبرد در مبارزه را میدان تربیت ابعاد وجودی انسان دانسته و قواعد مشترک مبارزه را شامل هجوم، دفاع، هجرت و تقیه معرفی می‌کند که هر کدام موقعیت تربیتی متفاوتی را برای رشد انسان فراهم می‌کند.^۲

پژوهش دیگر پژوهشی است با عنوان «تأملی بر جهاد و موقعیت‌های تربیتی آن از منظر قرآن» که نویسندگان در این پژوهش معتقد است که انسان در موقعیت‌های گوناگون تحت تأثیر تربیتی قرار می‌گیرد و نویسندگان با هدف تبیین موقعیت‌های تربیتی نهفته در جهاد و چگونگی استفاده از آن اقدام به انجام پژوهش کرده است. نویسندگان به این نتیجه رسیده است که متناسب با ابعاد فردی و جمعی جهاد، شاخصه‌های اخلاقی و اجتماعی توحید و توکل، سختی‌پذیری، صبر و استقامت، مهر و قهر، اطاعت-پذیری، ظلم‌ستیزی و وظیفه‌شناسی در فرد محقق خواهد شد.^۳

پژوهش دیگر، مقاله با عنوان «بررسی الگوی تربیتی مبتنی بر جهاد در زمینه‌سازی تمدن نوین اسلامی» است. نویسندگان مقاله با هدف طرح تربیت مبتنی بر جهاد به عنوان بایسته اساسی تحقق تمدن نوین نوین اسلامی اقدام به تدوین مقاله کرده و با تحلیل مفهومی، مفاهیم مختلف و ابعاد متفاوت جهاد در آموزه‌های اسلامی با تأکید بر قرآن بررسی کرده و در پایان به چگونگی تأثیرگذاری و تأثیرپذیری بین انسان و تمدن با محوریت جهاد پرداخته است. نویسندگان معتقد است الگوی تربیتی مبتنی بر جهاد، ظرفیت وسیعی دارد تا با تلفیق قلمروهای تربیت جهادی در عرصه فردی و اجتماعی به شکل‌گیری بینش، کنش و منش جهادی برای تحقق تمدن نوین اسلامی کمک کند.^۴

از پژوهش‌های صورت گرفته در مباحث مقدماتی بهره خواهیم گرفت اما همچنان که مشخص است در هیچ‌کدام از پژوهش‌های صورت گرفته، به صورت مصداقی و ارائه الگو وارد نشده‌اند، از سوی دیگر شهید سلیمانی دارای ویژگی‌های خاصی هستند که علیرغم کارآیی بالایی که در مسئولیتی که

^۲ رجیبی، طاهره و رضا علی نوری (۱۳۹۴) ماهیت «مبارزه» و قلمروهای تربیتی آن در آموزه‌های اسلامی، پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی، سال بیست و سوم، دوره جدید، شماره ۲۷، تابستان ۱۳۹۴، صص ۷۷-۹۴.

^۳ طاهره رجیبی و رضاعلی نوری، تأملی بر جهاد و موقعیت‌های تربیتی آن از منظر قرآن، اسلام و پژوهش‌های تربیتی، سال هفتم، شماره ۱۴، پاییز و زمستان ۱۳۹۴، صص ۱۰۳-۱۲۶.

^۴ طاهره رجیبی و محمدحسن میرزاحمدی، بررسی الگوی تربیتی مبتنی بر جهاد در زمینه‌سازی تمدن نوین اسلامی، مطالعات بنیادین تمدن نوین اسلامی، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۳۹۷، صص ۳۰-۴۹.

به ایشان سپرده شده بود داشتند، دارای ویژگی‌های خاصی در ابعاد مختلف ارتباطی بودند که ایشان را از دیگران متمایز کرده است و در این پژوهش تلاش خواهیم کرد تا مؤلفه‌های تربیت جهادی را در مکتب شهید سلیمانی به دست آوریم.

روش شناسی پژوهش

در این پژوهش از روش تحلیل مضمون بهره خواهیم گرفت. تحلیل مضمون، یکی از روش‌هایی که در تحقیقات کیفی کاربرد دارد. مضمون یا تم، مبین اطلاعات مهمی درباره داده‌ها و سؤالات تحقیق است. تحلیل مضمون، روشی برای شناخت، تحلیل و گزارش الگوهای موجود در داده‌های کیفی است و فرایندی برای تحلیل داده‌های متنی است که داده‌های پراکنده و متنوع را به داده‌های غنی و تفصیلی تبدیل می‌کند. تحلیل مضمون جزو روش‌هایی است که مستقل از جایگاه نظری و معرفت‌شناسی خاصی هستند. (براون و کلارک، ۲۰۰۶)

ابزارهای مختلفی برای تحلیل مضمون وجود دارد که در این پژوهش از ابزار شبکه مضامین استفاده کرده‌ایم و طبق روندی مشخص، مضامین پایه (کدها و نکات کلیدی متن) و مضامین سازمان دهنده (که حاصل ترکیب و تلخیص مضامین پایه‌ای می‌باشند) را استخراج کرده و تلاش شد نمود تا بر اساس علاقه نظری خاصی (روش قیاسی) داده‌ها مورد تحلیل قرار نگیرند، بلکه کدگذاری بدون تلاش برای انطباق آن با چهارچوب کدگذاری‌های از قبل تهیه‌شده (قالب مضامین) انجام گیرد بنابراین تحلیل مضمون را بر اساس داده‌ها شد (روش استقرایی). که در نهایت مؤلفه‌های تربیتی مکتب شهید سلیمانی در ذیل سه مضمون محوری مقوله‌های شناختی، نگرشی و رفتاری سازمان داده شدند.

یافته‌های پژوهش

پس از استخراج مؤلفه‌های تربیتی مکتب شهید سلیمانی به این نتیجه رسیدیم که این مؤلفه‌ها را می‌توان در ذیل سه مقوله شناختی، گرایشی و رفتاری ارائه کرد.

مقوله شناختی

در این مقوله به ابعاد شناختی که در تربیت جهادی مسخرج از مکتب شهید سلیمانی مورد توجه بوده است اشاره می‌شود.

توحیدباوری

سنگ بنای جهان بینی اسلامی، توحید در مبدأ و غایت است؛ بدین معنا که در این بینش، عالم و تمامی پدیدارهای هستی، آغاز و فرجام یگانه دارد. آفریدگار یگانه هستی، همان سان که خالق و آغازگر آفرینش است، مقصد و هدف نهایی پدیدارها نیز به شمار می‌رود. از همین رو براساس این قاعده عقلانی که هر موجود دارای هدف، به هر اندازه‌ای که به هدف و غایت خویش نزدیک می‌شود، از کامیابی، سعادت و فلاح بیشتر برخوردار می‌گردد، مقیاس و معیار کمال هر موجود و پدیده

ای از پدیدارهای هستی، میزان تقرب و نزدیکی او به غایت و مقصد نهایی است (هاشمی، ۱۳۸۸، ص ۵۷). همه پدیده‌ها به سوی این هدف غایی در حرکت هستند. یکی از یاران شهید سلیمانی می‌گوید: «آن چیزی که حاج قاسم را حاج قاسم کرد شخصیت معنوی، خدا پرستی، امام حسینی بودن، و هیبتی بودن ایشان و اهمیت دادن به روضه‌ها بود... اگر انسان هدف دار بود و هدفش خدا بود مشکلات برای وی آسان خواهد شد و راه برای وی هموار خواهد بود. این روح معنوی در تحیر جلوه خاصی داشت.» (سعادت نژاد، ۱۳۹۹) البته در ذیل شناخت از توحید، شناخت از کتاب قرآن و پیامبر گرامی اسلام و اهل بیت ایشان نیز قرار می‌گیرد که زمینه ساز تربیت جهادی شهید سلیمانی بوده است.

قیامت باوری

شهید سلیمانی همیشه به یاد قیامت بود و همیشه خود را برای این سفر آماده می‌کرد، در دیدار آخر با علما و مراجع کفن خود را همراه می‌برد و از آنان درخواست می‌کرد که کفن ایشان امضا کنند و شهادت دهند که ایشان آدم خوبی هستند. همچنان که در نامه به محافظش می‌نویسد: «حسین جان، عمر انسان به سرعت سپری می‌شود، ما همه به سرعت از هم پراکنده می‌شویم و بین ما و عزیزانم فاصله می‌افتد. ما را غریبانه در گودال و حفره وحشت که می‌گذارند، در این حالت هیچ فریادرسی جز اعمال انسان نیست، چون فقط چراغ اعمال مقبول است که امکان روشنایی در آن خاموشی و ظلمت مطلق را دارد.» (کریمی، ۱۳۹۹، ص ۸۷)

وجه به مطالعه و شناخت عمیق

از نظر اسلام علم فریضه ایست که نه از لحاظ متعلم و نه از لحاظ معلم و نه از لحاظ زمان و نه از لحاظ مکان محدودیت ندارد و این عالیترین توصیه‌ای است که می‌توانسته بشود و شده است (مطهری، ۱۳۶۱، ص ۲۷۶). حجت الاسلام والمسلمین شیرازی نقل می‌کنند: «به مناسبت روز عقیدتی بود که در فکر هدیه‌ای برای سردار بودیم بنده گفتم برای سردار سلیمانی پول و سکه فایده ندارد و بهترین هدیه کتاب است. بنده گفتم سردار بعضی کتاب‌های شهید مطهری را خوانده است شما کتاب‌هایی از این شهید به سردار بدهید که نخوانده باشد که البته سردار گفت همه را خواندم. آقای پورجعفری می‌گفت: در سوریه یک شب تا ساعت ۲ نیمه شب جلسه داشتیم بعد از آن سردار برای خواب رفتند اما دیدیم مشغول کتاب خواندن هستند. حاج قاسم در هواپیما نیز مطالعه می‌کرد و به این موضوع اهتمام ویژه‌ای داشت تا جایی که دائم مسابقات کتابخوانی برگزار می‌کرد و به افرادی که کتاب‌ها را می‌خواندند جایزه می‌داد. وی دخترش را هم به خواندن کتاب شهید حججی توصیه کرده بود.» (شیرازی، ۱۳۹۹)

عقلانیت جمعی

یکی از وجوه تربیتی مکتب شهید سلیمانی اعتقاد به خرد جمعی بود، در برنامه‌های مختلف، ساعت‌ها برای پیشبرد امور جلسه تشکیل می‌دادند و زمینه شکوفایی افراد را فراهم می‌کردند. به تعبیر یکی از یاران ایشان «اولین عنصر مهم در مکتب شهید سلیمانی حکم ولی است و دومین عنصر، عقلانیت



جمعی است. یعنی مکتب شهید سلیمانی چه در رسیدن به تکلیف و چه در انجام چگونگی تکلیف، بعد از حکم ولی، عقلانیت جمعی است، در دوران دفاع مقدس هیچ عملیاتی نبوده که سلسله مراتبی کلاسیک را انجام داده باشیم. گاه برای یک عملیات ساعت ها بحث می‌شد. در عراق، در سوریه، در لبنان و در جنگ های مختلف تا آخرین لحظه عمر پر برکت این برادر شهید عزیز ما، این عقلانیت جمعی یا به تعبیر عامیانه ما مشورت، وجود داشت. (رضایی، ۱۳۹۹)

فردی که در میداين در اوج قاطعیت است امکان نداشت ما بتوانیم غیر عمیق با ایشان حرف بزنیم حرف که می‌زدیم باید عمیق حرف می‌زدیم. حاج قاسم سطحی حرف زدن را نمی‌پذیرفت چون هم باور خودش بود و هم حیطه کاریش خطیر و مهم بود. اگر کسی حرف و سخنی غیر عمیق و نسنجیده می‌زد ناراحت می‌شد که مسئول این کار که می‌خواهد برای جهان اسلام تصمیم بگیرد، تحلیلش نباید ضعیف باشد لذا در این امور، سخت گیر و بسیار قاطع بود» (کارگری، ۱۳۹۹) همین امور زمینه رشد و شکوف نمودن استعداد های نیروها را فراهم می‌نماید.

مقدم بودن مدیریت نفس

هنگامی انسان در مسیر تربیت خویش به کمال می‌رسد که بتواند بین درون و برون خویش هماهنگی ایجاد کند و ضمن توجه به خود به عنوان فرد منحصر در این نظام از زاویه دیگر، خود را در بستر اجتماع و عضو کوچکی از جامعه بزرگ تلقی کند. این هماهنگی در میدان نبرد و در مبارزه درونی و بیرونی انسان از او انسان کامل تری می‌سازد. انسان جهادی که پرورش یافته تربیت جهادی است، نتیجه هماهنگی بین دو بعد است (رجبی و نوروزی، ۱۳۹۴، ص ۹۳) «در مکتب شهید سلیمانی هر کسی بتواند خود را مدیریت کند (یعنی جهاد با نفس)، می‌تواند دیگران را مدیریت کند. ولی این جهاد با نفس در میدان عمل صورت می‌گیرد در اتاق‌های در بسته یا در بیابان ها و دور از مردم و دور از حوادث و دور از سختی ها انجام نمی‌شود. ... این مدیریت همان زندگی واقعی بشر است، همان کوره‌های داغ زندگی است که انسان ها در همین کوره‌های داغ زندگی جهاد با نفس می‌کنند. بنابراین جهاد با نفس جدای از جهاد با دشمن نیست.» (رضایی، ۱۳۹۹) «رمز موفقیت حاج قاسم این بود که چون درون رزم خوبی بود، برون رزم خوبی شد» (معروفی، ۱۳۹۹)

مقوله گرایش

یکی از عوامل مؤثر در تربیت اسلامی و مخصوصاً در تربیت جهادی که مستلزم تلاش مستمر برای رسیدن به کمال انسانی است، تأثیر گرایش‌ها در در زندگی انسان است و در این بخش به این مقوله در منش شهید سلیمانی خواهیم پرداخت.

عشق الهی و یاد خدا

اگر عقل و اندیشه در زندگی، نقش چراغ راهنما دارد که روشنی می‌بخشد و راه را نشان می‌دهد، عشق و محبت قلبی، نقش موتور محرک را دارد که پیش برنده است و زبان دل، قوی تر از زبان عقل است. (محدثی، ۱۳۸۰، ص ۲۳۹) برای یک فرد مسلمان، مهمترین شاخص رشد و تعالی اخلاقی و تربیتی این است که محبوب خدا باشد و با رفتار و ویژگیهای خود حب الهی را بدست آورده باشد.

تمام وجود شهید سلیمانی مملو از عشق به خدا بود؛ در آخرین دست نوشته حاج قاسم آمده است: «خداوندا مرا بپذیر، خداوندا عاشق دیدارتم، همان دیداری که موسی را ناتوان از ایستادن و نفس کشیدن نمود. خداوندا مرا پا(کیزه بپذیر). (کریمی، ۱۳۹۹، ص ۸۴) یا در وصیت نامه ایشان آمده: «خالق من، محبوب من، عشق من که پیوسته از تو خواستم سراسر وجودم را مملو از عشق به خودت کنی؛ مرا در فراق خود بسوزان و بمیران. معبود من، عشق من و معشوق من، دوست دارم. بارها تو را دیدم و حس کردم، نمی توانم از تو جدا بمانم. بس است، بس. مرا بپذیر، اما آنچنان که شایسته تو باشم. (بنیاد حفظ و نشر آثار شهید سپهبد قاسم سلیمانی)

شهید سلیمانی می گفت: «هر کس از خدا بترسد، خدا همه چیز را از او می ترساند». آن قدر حضور خدا برایش پررنگ بود که در نامه ای به یکی از یارانش چنین گفت: «برادر خوبم، اجازه نده در هر شرایطی هیچ محبتی بر محبت خداوند سبحان و هیچ رضایتی بر رضایت خداوند سبحان غلبه کند. (کریمی، ۱۳۹۹، ص ۳۵)

فقر و نیاز به حضرت حق

شهید سلیمانی همیشه خود را در محضر حضرت حق بدهکار می دید در وصیت نامه شهید آمده است: ای خدای عزیز و ای خالق حکیم بی همتا! دستم خالی است و کوله پشتی سفرم خالی، من بدون برگ و توشه ای به امید ضیافت عفو و کرم تو می آیم. من توشه ای برنگرفته ام؛ چون فقیر [را] در نزد کریم چه حاجتی است به توشه و برگ؟! (بنیاد حفظ و نشر آثار شهید سپهبد قاسم سلیمانی)

ولایت مداری و ذوب در ولایت

آیه ۵۹ از سوره نساء می فرماید: «یا ایها الذین آمنوا أطیعوا الله و أطیعوا الرسول و اولی الامر منکم» و آیه ۴۴ سوره کهف می فرماید: «هنالک الولاية لله الحق». این آیات بیانگر آن است که یکی از خصوصیات تربیتی فرد مسلمان، پذیرفتن فرد مسلمان، پذیرفتن ولایت خداوند متعال، رسول اکرم (ص) و معصومین و کسانی است که در ویژگی ها و خصوصیات اعتقادی و علمی و رفتاری در مسیر آن بزرگواران قرار دارند. ولایت پذیری به معنی زور پذیری و تسلیم بی قید و شرط در برابر نظام حکومتی و حکومت کنندگان نیست، بلکه به معنای قبول حاکمیت علم و عدالت و مشارکت برای تحقق شایسته سالاری و اشراف نخبگان ذی صلاح بر زمام امور جامعه است (ذو علم، ۱۳۸۰، ص ۵۰). همچنین ولایت از ماده ولی به معنای قرار گرفتن چیزی در کنار چیز دیگر است به نحوی که فاصله ای در کار نباشد، یعنی اگر دو چیز آنان چنان به هم متصل باشند که هیچ فاصله ای در میان آنها نباشد ولی به کار برده می شود (مطهری، ۱۳۷۸، ص ۳۶).

«سردار سلیمانی ذوب در ولایت بود اگر آقا حرفی را می زدند اجرا می کرد. می گفت من دیگر خسته شدم ولی بخاطر آقا می ایستم وقتی هم ایستاد دیگر شب و روز و خستگی نمی شناخت» (شیرازی، ۱۳۹۹). «نظام ولایی حاج قاسم، فرمان گرفتن نیست. فتوا گرفتن نیست. نظام ولایی حاج قاسم، به میل ولی کار کردن است. این معرفت و ولایت باوری است. این همان چیزی است که سر آن قسم جلاله می خورد». (معروفی، ۱۳۹۹)

شهید سلیمانی گفت موارد زیادی پیش می‌آید که بنده یک نظری دارم و ایشان (مقام معظم رهبری) یک نظر دیگری دارد. ایشان کارشناس خبره حاضر در میدان (مثلاً در پرونده سوریه) می‌گویند بنده در این مواقع نظر خود را کنار می‌گذارم و نظر آقا را انجام می‌دهم. ایشان می‌گفت در تمام این موارد موردی نبوده است که بنده اجرا کنم و برای بنده این مسئله پیش بیاید که ای کاش آن نظر (دیگر) را پیاده کرده بودم. (زارعی، ۱۳۹۹)

الگوسازی

یکی از ویژگی‌های بارز شهید سلیمانی که حقا باید عنوان مدرسه و مکتب بر آن بگذاریم، این بود که ایشان هم به شخصه الگوی تربیت جهادی بودند و از سوی دیگر الگوهای جهادی را همیشه در معرض دید مخاطبان خود قرار می‌دادند که زمینه‌ساز گرایش دیگران به جهاد بود. یکی از روش‌های موثر مدیریت سرمایه انسانی ایشان این بود که خیلی جذاب و گیرا صحبت می‌کرد. و ما هم تشنه صحبت‌های ایشان بودیم و همیشه حرف‌های ایشان حرف‌های اثرگذار و خوب و جذابی بود؛ ولی بیشتر از سخنان عمل ایشان ما را هدایت می‌کرد. ایشان لازم نبود بگوید: مثل کارمند کار نکنید و کار شبانه روزی باید انجام دهید. وقتی نیروها ایشان را اینگونه می‌دیدند، غیر از این نمی‌توانستند کار کنند. (کارگری، ۱۳۹۹) یکی از فرماندهان نقل می‌کند که «من خودم را با حاج قاسم تطبیق میدادم چون نگاهم به ایشان این بود که فرمانده من است و من شاگرد او هستم. چون او در کارخانه انسان‌سازی سپاه ثار الله ما را تربیت کرد و الگوی عملی بود.» (معروفی، ۱۳۹۹) از نظر حاج قاسم سلیمانی، قله تربیت دینی و اخلاقی ما، دفاع مقدس بود. (کریمی، ۱۳۹۹، ص ۶۱) لذا شهید سلمانی بر ثبت خاطرات شهدا و تدوین کتاب‌های مختلف برای اثرگذاری بر جامعه بسیار تأکید داشتند و در کنگره شهدای کرمان، همه کتاب‌ها را خودشان می‌خواندند و بر آنها مقدمه می‌نوشتند. (شیرازی، ۱۳۹۹)

عشق به شهادت

برای شهادت ثانیه‌شماری می‌کرد. خود را فقیر دعای همه می‌دانست. (کریمی، ۱۳۹۹، ص ۷۳) دبه شهید سلیمانی گفتند: «خبر رسیده و شایعه شده و دهان به دهان چرخیده که شما شهید شده‌ای! خندید و گفت: «اینها چیزهایی است که دشت‌ها و کوه‌هایی را برای پیدا کردنش پیموده‌ام.» (کریمی، ۱۳۹۹، ص ۱۷) البته معتقد بود تا کسی شهید نباشد، شهید نمی‌شود. شرط شهید شدن، شهید بودن است. اگر امروز کسی را دیدید که بوی شهید از کلام او، از رفتار او و از اخلاق او استشمام می‌شود، بدانید او شهید خواهد شد. (کریمی، ۱۳۹۹، ص ۸۱)

در وصیتنامه شهید آمده است: و درک بوسه بر گونه‌های بهشتی آنان و استشمام بوی عطر الهی آنان را - یعنی مجاهدین و شهدای این راه - به من ارزانی داشتی... خداوند، ای عزیز! من سال‌ها است از کاروانی به جا مانده‌ام و پیوسته کسانی را به سوی آن روانه می‌کنم، اما خود جا مانده‌ام، اما تو خود می‌دانی هرگز نتوانستم آن‌ها را از یاد ببرم. پیوسته یاد آنها، نام آنها، نه در ذهنم بلکه در قلبم و در چشمم، با اشک و آه یاد شدند.

جهت‌گیری الهی خالصانه

رویکرد حاج قاسم توجه به خواست خدا در همه امور رنگ‌خدایی داشتن کارها بود. «حاج قاسم یک آدم به تمام معنا مخلص بود. من بارها می‌دیدم که حاج قاسم با مطالب بیرونی کاری نداشت و اهمیتی نمی‌داد و عهدش با خودش و خدای خودش را پیش می‌برد. اینکه چه حرف‌هایی بیرون زده می‌شود یا نمی‌شود توجهی نداشت. همیشه به فکر تکلیف و وظیفه‌اش بود. و خدا از او چه خواسته لذا اگر بدگویی‌ای هم وجود داشت ولی مسیرش مسیر خدایی بود اعتنایی نمی‌کرد». (سعادت‌نژاد، ۱۳۹۹)

«فردای ماموریتی که ایشان رفته بود عراق برگشتند با ایشان جلسه دوفرهه داشتیم روز قبل کیهان صفحه بالای خودش را کاملاً به این موضوع اختصاص داده بود. و عکس خیلی بزرگ و رنگی حاج قاسم و متن خیلی خوبی درباره‌ی نقش سردار سلیمانی در فتح جُرف الصخر. من به حاج قاسم گفتم کیهان چنین عکس و متن خیلی خوبی از شما زده است. حاج قاسم گفت به خدا من ازدیدن این مطالب ناراحت می‌شوم و حقیقتاً ناراحت می‌شد شاید من باشم بگویم دوست ندارم مطرح بشوم ولی ته دلم ناراحت نباشم. حاج قاسم در حد گریه ناراحت می‌شد که چرا من را در این حد مطرح می‌کنند. (کارگری، ۱۳۹۹)

شهید سلیمانی «هیچ کجا خودش را ندید، بنده در طی ۵ سال بیش از ۱۰۰ بار از ایشان خواستم خاطرات عملیات کربلای ۵ را که نوشته بود منتشر کنیم. سردار می‌گفت وقت گذاشتم و در حال تنظیم هستم تا آماده چاپ شود البته ما امیدوار نبودیم چرا که می‌دانستیم نمی‌خواهد خودش را مطرح کند. در عراق همیشه ابومهدی می‌گفت فرمانده من حاج قاسم است و حاج قاسم می‌گفت فرمانده من ابومهدی است. در لبنان خودش را ندید، در سوریه خودش را ندید، در جلسات شورا هم بنده نشنیدم در جلسات خصوصی هم نشنیدم بگویند مثلاً اگر من در جنگ ۳۳ روزه لبنان یا جنگ سوریه یا عراق و افغانستان نبودم این اتفاق‌ها نمی‌افتاد». (شیرازی، ۱۳۹۹)

مقوله رفتاری

در این بخش به مؤلفه‌های رفتاری مکتب شهید سلیمانی در ارائه تربیت جهادی خواهیم پرداخت.

عبادت

عبادت یعنی «انجام کاری به انگیزه و قصد تقرب الی الله» بنابراین روح عبادت و انگیزه اصلی آن قرب الهی است. (کاردان و همکاران، ۱۳۸۲، ص ۵۱۹). قرآن کریم می‌فرماید: «و ما خلقت الجن و الانس الا ليعبدون» جن و انس را فقط برای اینکه مرا بپرستند آفریدم (ذاریات، آیه ۵۶). آیه کریمه هدف آفرینش را در «عبادت» منحصر می‌کند و حقیقت عبادت هم «تقرب» است. در نتیجه تنها هدف اصلی آفرینش «قرب الی الله» است. عبادت به معنی قرآنی آن از اصلی‌ترین شاخص‌های تربیت اسلامی است. (تاج‌الدین و بازارگادی، ۱۳۹۹)

حاج قاسم از روزی که با خدا و انقلاب و جبهه آشنا شد نماز شب او ترک نشد تا هنگامی که از دنیا رفت حتی در هر وضعیت و جایی که بود. من برخی سفرها با حاج قاسم همراه بودم ساعت ۲ و

۳ شب که می رسیدیم من خودم می خوابیدم و نماز صبح بیدار میشدم ولی خدا رحمت کند آقای صفری که همراه بود می گفت: حاج قاسم که شب نخوابید همه اش عبادت کرد ... حاج قاسم نماز شبش خم و راست شدن نبود، توام با راز نیاز و مناجات بود و می دیدم من دعای ابوحمزه را میخواند و زجه میزد در نماز شبش در سجده یا قنوت. (سعادت نژاد، ۱۳۹۹)

انس با قرآن و ادعیه و معنویات

حاج قاسم همیشه با قرآن مانوس بود و همیشه قرآن همراه او بود. حتی بعضی اوقات حاج قاسم دعاهایی می خواند که من بلد نبودم، با فضاهای قرآنی خیلی مانوس بود و کاملاً مفهوم دعاها را درک می کرد. (سعادت نژاد، ۱۳۹۹) «سخنرانی او همه را منقلب می کرد و فرقی نمی کرد این سخنرانی در لشکر باشد یا در استان ها یا کرمان. بعد از جنگ هم که در نیروی قدس بود سالی یک یا دو بار سخنرانی می کرد مثلاً حدود ۲ ساعت طول می کشید باز هم مستمعین درخواست می کردند که ایشان ادامه بدهد. قسمت اول سخنرانی بدون استثنا مباحث اخلاقی بود. در طول سخنرانی هم به این موضوع توجه داشت که باید بحث اخلاقی و معنوی داشته باشد. دیگران را به تقوا، اخلاق، تلاوت قرآن و نماز شب دعوت می کرد.» (شیرازی، ۱۳۹۹)

توسل و تاسی به اهل بیت و روضه هفتگی

شهید سلیمانی در وصیت نامه خود آورده است: خداوندا! تو را سپاس که مرا از پدر و مادر فقیر، اما متدین و عاشق اهل بیت و پیوسته در مسیر پاکی بهره مند نمودی. ایشان می گفت: با تاسی به امام حسین (ع) و اهل بیت (ع) و اصحاب او این جبهه تربیت پیدا کرده است و روز به روز تولد جدیدی پیدا می کند. دیروز فقط ایران بود و امروز با تاسی به همین، شعبات متعددی به وجود آمده، امروز انصارالله هم در یمن به امام حسین (ع) اقتدا می کنند. (کریمی، ۱۳۹۹، ص ۵۵) حتی نسبت به برادران اهل سنت نیز تأکید داشتند که مفاهیم (ادعیه) را به صورت غیر مستقیم ... خصوصاً دعا های کمیل، شعبانیه، و ابوحمزه را به اهل سنت بگویند، تا عاشق اهل بیت بشوند» (سعادت نژاد، ۱۳۹۹)

گاهی در جلسه گروه های عراقی حاج قاسم خیلی اذیت می شد زیرا هر کاری می کرد ائتلاف گروه ها را شکل دهد و به هم نزدیک کند نمی شد. خسته می شد می گفت ادامه جلسه باشد بعداً و می گفت نمی شود ولش کنید من باید برم کربلا بگویم امام حسین (ع) این مشکل حل کند. می رفت ضریح امام حسین (ع) گریه می کرد، زجه میزد و مشکل حل می شد. (سعادت نژاد، ۱۳۹۹)

حاج قاسم با روضه خیلی انس داشت و به جرئت می گویم اگر حاج قاسم یک هفته روضه نمی شنید دلش می گرفت و روانش به هم می ریخت. به هر بهانه ای می خواست برای امام حسین (ع) و حضرت فاطمه اشکی بریزد. خدا رحمتشان کند در روزهای آخر که متعدد به عراق می رفت و میزبان شهید ابومهندس بود، حاج قاسم دید که یک محفل و مکانی هست که خالی است، از ابومهندس دلیل ساخت آن مکان را پرسید، گفتند برای محافل و جلسه ها با مهمانان است. حاج قاسم از شهید ابومهندس خواست که این سه روزی که ایشان آنجا هستند روضه برگزار باشد و یک روضه خوان دعوت شود؛ ابومهندس هم با دعوت یک روضه خوان عرب زبان، هر شب خواسته حاج قاسم را

عملی می‌کرد. در روضه‌های دیگر هم محزون‌ترین فرد در روضه‌ها حاج قاسم بود و اولین نفر اشکش جاری بود. (سعادت‌نژاد، ۱۳۹۹)

«این حال و هوای معنوی به خودش فقط سرایت نمی‌کرد و دنبال این بود به مجموعه هم سرایت دهد؛ در زمان جنگ در لشکر ۴۱ ثارالله برای نماز صبح آمده بود در مسجد و هر گوشه‌ای کسی مشغول خواندن نماز شب بود. این نماز شب خواندن در کل جبهه مرسوم بود اما در لشکر ثارالله چیز دیگری بود.» (سعادت‌نژاد، ۱۳۹۹)

«قبل از بنده یک مسئول تبلیغاتی در لشکر ثارالله بود به نام آقای صدفی که مداح بود و بعد از جنگ هم با لشکر در ارتباط بود. گاهی اوقات سردار او را صدا میزد که مثلاً شب شهادت است نزدیک عملیات است خودش و چند نفر از فرماندهان که برای شناسایی می‌رفتند برای همان جمع مداحی می‌کرد. معمولاً یکی دو شب قبل از عملیات جلسه توجیهی عملیاتی برای فرماندهان بود و بعد از توجیح عملیاتی، حتماً روضه و اشک و سینه زنی بود» (شیرازی، ۱۳۹۹). ایشان هر هفته عصر جمعه در منزل، مجلس خانوادگی سخنرانی و روضه برگزار می‌کردند و نگاه ایشان تربیت فردی و خانواده بود. (شیرازی، ۱۳۹۹) در وصیتنامه ایشان آمده است: همراه خود دو چشم بسته آورده‌ام که ثروت آن در کنار همه ناپاکی‌ها، یک ذخیره ارزشمند دارد و آن گوهر اشک بر حسین فاطمه است؛ گوهر اشک بر اهل بیت است؛ گوهر اشک دفاع از مظلوم، یتیم، دفاع از محصور مظلوم در جنگ ظالم.

توجه ویژه به یادگاران جهاد و مبارزه

«سردار سلیمانی تعبیری داشتند می‌فرمودند که اگر ما روزی صد بار به شهدا صلوات نفرستیم به آن‌ها جفا کردیم و ایشان خودش پایبند بود به این که برای شهدا صلوات بفرستد و بنده بارها شاهد این مسئله بوده‌ام. گویا شهید بزرگوار یک میثاقی داشت با شهدا (زارعی، ۱۳۹۹) «ایشان از دوران جنگ تا شهادت هیچ زمانی ارتباطش را با رزمندگان لشکر ثارالله قطع نکرد، روضه‌هایی که در ایام شهادت حضرت زهرا (س) در کرمان می‌گرفت برای جمع کردن رزمندگانی بود که در کرمان بودند و می‌خواست اثر تربیتی این روضه‌ها در شهرش نیز جریان داشته باشد. سردار به کرمان علاقه ویژه‌ای داشت، خانه خودش را حسینیه و حیات خانه را مسقف کرده بود و روضه‌ها را آنجا برگزار می‌رد. جلسات با رزمندگان لشکر ثارالله قبل از روضه بود؛ جلسات انس بود و یادآوری خاطرات جنگ. این جلسات ارتباط این رزمنده‌ها باهم بود» (شیرازی، ۱۳۹۹)

یک روز از ماه راندر جانباز ۷۰ درصد کرده بود. می‌رفت نجف آباد اصفهان، تمام کارهای جانباز را انجام می‌داد، از حمام بردن تا شستن لباس و نظافت. سوره‌ای که خبر شهادت جانباز را دادند، یک نفر را مأمور کرد برود نجف آباد تا هم در مراسم شرکت کند و هم کاری روی زمین نماند. (کریمی، ۱۳۹۹، ص ۲۱) «یک شب جلسه تا ساعت ۸ طول کشید آقایان گفتند خسته شدیم ادامه اش برای فردا؛ صبح که برگشتم هنوز ساعت ۷ نشده بود رفتم اتاقشان گفتند دیشب که من از جلسه بیرون آمدم رفتم اصفهان دیداریکی از جانبازان لشکر ثارالله.» (شیرازی، ۱۳۹۹)

یاد خانواده شهداء و انس با آنها



در وصیت نامه شهید آمده است: شهدا، محور عزت و کرامت همه ما هستند؛ نه برای امروز، بلکه همیشه این ها به دریای واسعه خداوند سبحان اتصال یافته اند. آن ها را در چشم، دل و زبان خود بزرگ ببینید، همان گونه که هستند. فرزندان را با نام آن ها و تصاویر آن ها آشنا کنید. به فرزندان شهدا که یتیمان همه شما هستند، به چشم ادب و احترام بنگرید. به همسران و پدران و مادران آنان احترام کنید، همان گونه که از فرزندان خود با اغماض می گذرید، آن ها را در نبود پدران، مادران، همسران و فرزندان خود توجه خاص کنید.

شهید سلیمانی می فرمود: این پدر شهید است، این مادر شهید است، این فرزند شهید است، سلول های بدن آن شهید در وجود این هاست، اینها را باید دریابیم، به اینها باید توجه کنیم. (کریمی، ۱۳۹۹، ص ۳۷)

«شهید عارفی داریم در کرمان به نام شهید مخفوری که در عملیات کربلای چهار شهید شد، فرمانده بسیج کرمان و مدتی هم فرمانده سپاه کرمان بود. شهید سلیمانی با بچه های شهدا در تماس بود. گاهی برایشان نامه می نوشت یا به منزلشان می رفت، گاهی دو روز یا سه روز بچه ها از کرمان می آمدند و در خانه ایشان می ماندند. فرزند شهید مخفوری با فرزند شهید تحامی ازدواج کرد. در کرمان از این موارد بسیار داریم که حاج قاسم تلاش می کرد بچه های فرماندهان شهید با هم ازدواج کنند. نامه ای به دختر شهید می نویسد و یک کتاب هدیه می دهد. در صفحه اول این کتاب نوشته است پدر تو عارف بود امروز مردم از قبر اوشفا می گیرند و جایگاه پدرت این بود و تو باید سعی کنی این مسیر را ادامه بدهی. فرزند فاطمه مخفوری و علی تحامی که مریض می شود و باید در بیمارستان عمل کند حاج قاسم به بیمارستان می رود و علیرغم اصرار فاطمه برای ترک بیمارستان می گوید تا بچه به هوش نیاید نمی روم، بعد از اینکه بچه به هوش می آید حاج قاسم با او حرف می زند و بعد می رود؛ این ارتباط ایشان با خانواده شهداست.» (شیرازی، ۱۳۹۹)

وقف هدف شدن و دل بردن از دل مشغولی های دنیا

«حاج قاسم به من گفت که حسین جان، من از خدا یک چیزی خواستم؛ گفتم چی خواستی؛ گفت به خدا گفتم که اگر من می خواهم به انقلاب خدمت کنم باید خودم را وقف انقلاب کنم. چند نفر از مدیران ما وقف انقلاب هستند؟ چند نفر از فرماندهان ما وقف انقلاب هستند؟» (معروفی، ۱۳۹۹) می گفت: «شرط رسیدن به شهادت، دل بردن از تمام مادیات و تعلقات دنیوی است.» تمام شهدای ما در درجه اول هجرت را از قلب های خود آغاز کرده بودند و آن دل بردن از دل مشغولی هایی است که در این راه همچون سدی در هجرت به سوی پروردگار شناخته می شود. (کریمی، ۱۳۹۹، ص ۵۳)

پیشگامی و ثبات در عمل

در یکی از جلسات در جبهه می فرمود که اگر یکی از فرماندهان به خط نرود کسی نمی تواند کاری انجام دهد و ما باید با تمام وجودمان در خط حاضر شده و نیروها را تشویق کنیم. (کارگری، ۱۳۹۹) در صحنه نبرد هم در خط مقدم بود و قرارگاه تاکتیکی را به خط مقدم می برد و خودش پیشتاز در

حرکت به سمت دشمن نبود. اینگونه نبود که بگوید بروید، بلکه می‌رفت و می‌گفت که بیایید. اگر دیگران را به تقوا و نماز شب و تضرع دعوت می‌کرد خود ایشان بیش از دیگران عمل می‌کردند و در عمل به آموزه‌های دینی، تلاش مستمر داشت.

یکی از هم‌زمانش نقل می‌کند: «حاج قاسم سال ۱۳۶۰ که می‌شناختم با حاج قاسم سال ۱۳۹۸ از نظر حرکت در مسیر، هیچ تفاوتی ندارد البته که رشد معنوی داشته است. ترس بودن سردار در دوران جنگ با ترس بودن وی در سال ۹۸ فرقی نکرده است.» (شیرازی، ۱۳۹۹)

تواضع فوق العاده

روضه که تمام شد، پیدایش نکردیم، خیلی گشتیم تا متوجه شدیم رفته است سراغ شستن سرویس-های بهداشتی. نگذاشت کسی کمکش کند. می‌گفت: «افتخارم این است خادم روضه حضرت زهرا (س) باشم.» (کریمی، ۱۳۹۹، ص ۲۰) در مقابل درخواست‌های مردم برای عکس یادگاری گرفتن مکرر از ماشین پیاده می‌شد و البته تواضع سپهبد سلیمانی در برابر خانواده شهدا مثال زدنی است.

سخت کوشی

سخت کوشی یکی از ویژگی‌های رفتاری شهید سلیمانی بود و سخت کوشی از مؤلفه‌های اصلی تربیت جهادی در مکتب شهید سلیمانی است. «مقام معظم رهبری هم فرمودند گاهی اوقات ایشان نوزده ساعت، بیست ساعت در طول شبانه روز کار می‌کرد. گاهی یک سفر دو هفته طول می‌کشید بعد از سفر آقای پورجعفری می‌گفت: در این سفر سردار سلیمانی ۱۰ ساعت خوابید.» (شیرازی، ۱۳۹۹) از جمله ویژگی‌های شهید این بود که هر کاری را در حد کمال انجام می‌داد و برای هیچ کاری کم نمی‌گذاشت. (زارعی، ۱۳۹۹) سردار معروفی نقل می‌کند که شهید سلیمانی می‌گفت: «خدایا آنقدر به من مشغله بده که من فکر گناه هم نکنم.» (معروفی، ۱۳۹۹)

توجه به حلال و حرام و حق الناس

ایشان در امور دینی مقید بود. مقید یعنی به معنی واقعی کلمه و از این قید و چهارچوب خارج نمی‌شد. در رعایت حدود شرعی، هم خودش مراعات می‌کرد و هم از نیروها به صورت جدی درخواست می‌کرد. (کارگری، ۱۳۹۹) وقتی جنگ به قسمت شهری کشیده شد، برخی به ناچار وارد منازل مردم شدند. ایستاد به سخنرانی برای نیروها: «اگر به شهر شما حمله شود، دوست دارید وارد خانه‌تان شوند؟ خیلی باید مراقبت کنید از حق الناس. حتی اگر وسیله‌ای به اشتباه جابه‌جا شده، بگذارید سر جایش. خدا از شما امتحان می‌گیرد، از امتحان سربلند بیرون بیایید.» (کریمی، ۱۳۹۹، ص ۵۷) سردار سلیمانی برای صاحب منزلی که در عملیات آزادسازی بوکمال در دیرالزور سوریه از آن به عنوان مقر استفاده کرده بودند، نامه‌ای نوشته و از اینکه از خانه آنها بدون اجازه استفاده کرده بودند عذرخواهی کرده و حلالیت خواستند. (کریمی، ۱۳۹۹، ص ۴۰)

مردمی بودن و مردم‌داری

شهید سلیمانی هیچ وقت خودش را بالاتر از مردم نمی‌دست و همیشه برای خدمت به مردم با تلاش مستمر و خستگی‌ناپذیر آماده بودند. یکی از یارانش نقل می‌کند: «ایشان کسی بود که به معنی واقعی



کلمه وقت برای استراحت نداشت و برای ما طبیعی بود که حاجی بعد از دو هفته مأموریت شبانه‌روزی که از عراق سوریه و لبنان وارد ایران می‌شد ساعت هفت و نیم صبح جلسه می‌گذاشت. در صورتی که نخوابیده بوده و حداکثر خوابش دو یا سه ساعت بوده. این انسان وقتی با مردم مواجه می‌شد احساس نمی‌کردید عقبه کاری سنگینی دارد و با روی گشاده و با دل و تمام وجودش ارتباط برقرار می‌کرد.» (کارگری، ۱۳۹۹) سردار سلیمانی تقرب به خدا را در خدمت به بندگان خدا می‌دید (زارعی، ۱۳۹۹).

«هیچگاه ارتباطش را با مردم روستای محل تولدش قطع نکرد هیچ عیدی نبود که سردار سلیمانی به مستضعفین روستا کمک نکند و این جز برنامه‌های ثابتش بود. بنده از سال ۶۰ که ایشان را می‌شناسم ارتباطش با خدا همین گونه بود.» (شیرازی، ۱۳۹۹) در قضیه سیل خوزستان علاوه بر اینکه دستور دادند حدود ۴۰۰ موبد در آنجا راه‌اندازی شود، خود ایشان نیز وارد کار شدند و خودشان به کمک و یاری مردم شتافتند و با نرم‌خویی با مردم در معرض سیل برخورد می‌کردند. (زارعی، ۱۳۹۹)

از وجوه مردمی بودن ایشان این بود که هیچ امتیازی برای خود یا خانواده خود در نظر نمی‌گرفت. «سردار گفت یکی از دامادهایم زمانی که به خواستگاری دخترم آمد پاسدار بود، من به وی گفتم باید از سپاه بیرون بیایی تا جوابت را بدهم. اگر در سپاه باشی ممکن است از قدرت (موقعیت) من استفاده کنی بیا بیرون و داماد من بشو. سردار به بچه‌های خودش هم حساس بود. ایشان دو پسر و سه دختر دارند. در زمان حیاتشان دو داماد و دو عروس داشت. در هیچ جایی از کشور نشنیدیم که فرزندان سردار از قدرت پدر استفاده کرده و کاری انجام دهند. یکی از پسرهایش در پلیس +۱۰ و دیگری در کار شیرینی پزی است در حالیکه آنها فرزندان سردار سلیمانی هستند و هر جا بخواهند می‌توانند از قدرت پدر استفاده کنند چون سردار اجازه نمی‌داد.» (شیرازی، ۱۳۹۹)

از وجوه مردمی بودن ایشان عدم تکلف در ارتباط با مردم بود. سردار معروفی نقل می‌کند که «۲۴ سال پیش بم بودم و رفتم مهمان سرا. حاج قاسم آمد و به من گفت که بریم خونه ما. من را به زور برد خانه خودشان. دم در به خانمش زنگ زد و گفت که فلانی مهمان ما است. بعد از یک ساعت، سفره انداختند، شام پنیر و گردو بود و بعد هم برای استراحت به اتاق رفتم.» (معروفی، ۱۳۹۹)

عشق و علاقه به دوستان و هم‌زمان

امام علی (ع) می‌فرماید: «محبت، در سایه مهرورزی فراهم می‌آید» (تمیمی، ۱۳۶۶، ج ۳، ص ۲۰۰) انگیزه‌بخشی تعالیم اسلامی بر دوستی و الفت از طریق تشویق بر ارتباط و دوستی با دیگران به ویژه برادران ایمانی است. پیامبر گرامی اسلام فرموده اند: «سوگند به آن که جانم در دست اوست، وارد بهشت نخواهید شد، تا به یکدیگر مهربانی کنید.» (متقی هندی، ۱۹۹۸، ج ۹، ص ۱۱۸) با ابومهدی المهندس و بچه‌های حشد الشعبی آمده بود شادگان برای کمک به سیل زده‌ها. برایشان سفره انداختیم. تک تک نیروها و محافظ‌ها را به اسم صدا زد که بیایند سر سفره. برایشان لقمه می‌گرفت و می‌گذاشت دهانشان، مثل پدر. (کریمی، ۱۳۹۹، ص ۵۸) «خوب می‌دانست شرط عاشقی ابراز آن است.

مکرر عشق خود به یارانش را ابراز می کرد، تأکید هم می کرد. مصطفی که رفت، می گفت: «من حقیقتاً عاشقش بودم، حقیقتاً.» یا از حسین که دور می شد، می گفت: «نفسم به نفست بسته است.» (همان، ص ۲۷)

اصلاح خطا با رویکرد معنوی

نقل می کنند که سربازی در مهدیه لشکر ثارالله در مراسم رسمی سخنرانی ادب را رعایت نکرده بود و بد نشسته و صحبت می کرد، سردار بعد از جلسه او را صدا کرد و به جای اینکه برای او اضافه خدمت تعیین کند به او گفت: برادرم، عزیزم، جلسه رسمی بود و سخنران از تهران داشتیم که مؤدب نشست و نظم را رعایت نکردی و حالا که این کار را کردی، جزء ۳۰ قرآن را اگر حفظ کردی و آمدی و سؤال کردم و حفظ بودی، بی حساب می شویم؛ در غیر اینصورت، با شما برخورد انضباطی می کنم. (کریمی، ۱۳۹۹، ص ۳۳)

نتیجه گیری و پیشنهادها

الف. نتیجه گیری

شهید سلیمانی را همانگونه که رهبر فرزانه انقلاب فرمودند باید به عنوان مکتب و مدرسه دید؛ یکی از نمودهای این مکتب ارائه الگوی تربیت جهادی است که در این مقاله تلاش شد تا مؤلفه های آن در سه مقوله شناختی، گرایشی و رفتاری ارائه گردد. در ابعاد مختلف مؤلفه های تربیتی مکتب شهید سلیمانی شاهد تلاش و سخت کوشی مستمر و دائمی انسان در مسیر کمال و قرب الهی و رسیدن خود و زمینه سازی برای رساندن دیگران به این غایت مهم است. این تلاشگری و به کار بردن نهایت توان در راه بندگی و زندگی سراسر جهاد، دارای پرتو افکنی به شاهدان و ناظران از فرهنگ ها و جغرافیاهای مختلف برای اقدام و حرکت در مسیر قرب الهی است. شهید سلیمانی با رفتار و منش خود، الگوی انسان مؤمن و مجاهد را برای همگان به ارمغان می آورد و شعاع محبت و عشق او نسبت به همگان و ویژگی های اخلاقی و معنوی او و دلسوزی و انس و الفتی که با مخاطبان برقرار می کرد زمینه های تربیت جهادی و درونی کردن ارزش های دینی را به ارمغان می آورد. سخت کوشی در انجام وظیفه همیشه در صحنه بودن برای فداکاری با ایمان قوی و تقوای الهی در عرصه های فردی و اجتماعی، ولایتمداری و توسل و تاسی به اهل بیت علیهم السلام و مردمی بودن و مردم داری ویژگی هایی هستند که در تربیت جهادی دارای نقش بالایی بوده و تنظیم کننده رابطه انسان با خدا، خود و دیگران است؛ در پرتو چنین تربیتی می توان به تحقق تمدن نوین اسلامی امیدوار بود.

ب. پیشنهاد

در این برهه حساس از حرکت انقلاب اسلامی، برای عبور از گردنه های سخت در مواجهه با دشمنان قسم خورده و حرکت در مسیر تحقق تمدن نوین اسلامی، نیازمند الگوی تربیت جهادی شهید سلیمانی هستیم. لذا پیشنهاد می شود تا پژوهشگران این عرصه اقدام به طراحی الگوی تربیت جهادی بر اساس منش تربیتی شهید سلیمانی کنند؛ الگوی طراحی شده خواهد توانست هم در تعلیم و تربیت

داخل کشور و هم در جغرافیای مقاومت کارآیی داشته و موجب قدرت آفرینی جبهه مقاومت در عرصه های مختلف خواهد شد.

منابع فارسی

۱. امینی، ابراهیم (۱۳۸۴) اسلام و تعلیم و تربیت، قم، بوستان کتاب.
۲. بیات، حجت‌الله (۱۳۹۰) مبانی ضرورت تبلیغ دین از رسانه‌های نوین، در جمعی از نویسندگان، مجموعه مقالات دومین همایش بین‌المللی دین و رسانه «رسانه دینی، دین رسانه‌ای»، قم، اداره کل پژوهش‌های اسلامی صداوسیما.
۳. تاج‌الدین، مرضیه و مهرانوش بازارگادی، مولفه‌ها و شاخص‌های تربیتی از دیدگاه قرآن کریم، سایت راسخون، کتابخانه دیجیتال تبیان، تابستان و پاییز ۱۳۸۸،
<https://library.tebyan.net/fa/Viewer/Text/۱/۲۱۱۳۶۳>
۴. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، تصنیف غررالحکم و درر الکلم، ۱ جلد، چاپ اول، قم، دفتر تبلیغات، ۱۳۶۶.
۵. حق شناس و همکاران (۱۳۸۳) فرهنگ معاصر هزار انگلیسی - فارسی، تهران، فرهنگ معاصر.
۶. حویزی، عبدعلی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، ۵ جلد، قم، اسماعیلیان، ۱۴۱۵ ه.ق.
۷. ذو علم، علی (۱۳۸۰) شاخص‌های تربیت دینی از نگاه قرآن کریم، قم: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۸. رجبی، طاهره (۱۳۹۷) بررسی الگوی تربیتی مبتنی بر جهاد در زمینه سازی تمدن نوین اسلامی، مطالعات بنیادین تمدن نوین اسلامی، دوره ۱، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۳۹۷، ص ۳۰-۴۹.
۹. رجبی، طاهره و رضاعلی نوری (۱۳۹۴)، تأملی بر جهاد و موقعیت‌های تربیتی آن از منظر قرآن، اسلام و پژوهش‌های تربیتی، سال هفتم، شماره ۱۴، پاییز و زمستان ۱۳۹۴، ص ۱۰۳-۱۲۶.
۱۰. رجبی، طاهره و رضا علی نوری (۱۳۹۴) ماهیت «مبارزه» و قلمروهای تربیتی آن در آموزه‌های اسلامی، پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی، سال بیست و سوم، دوره جدید، شماره ۲۷، تابستان ۱۳۹۴، ص ۷۷-۹۴.
۱۱. رضایی، محسن (۱۳۹۹) مقدمه ای بر ابعاد مکتب شهید سلیمانی، به ویراستاری روح اله تولایی، ۲۳ تیر ۱۳۹۹،
<http://mgt.ihu.ac.ir/index.jsp?fkeyid=&siteid=&pagei۸۵&fkeyid=&siteid=۸۵>
۱۲. رضایی اصفهانی، محمدعلی، تفسیر قرآن مهر، ۲۴ جلد، قم، پژوهش‌های تفسیر و علوم قرآن، ۱۳۸۷.
۱۳. زارعی، سعادت‌الله (۱۳۹۹) گفتار پژوهی: جنبه‌های انسانی مکتب شهید سلیمانی، ۲۸ مرداد ۱۳۹۹،
<http://mgt.ihu.ac.ir/index.jsp?fkeyid=&siteid=۸۵>
۱۴. سعادت‌نژاد، اسماعیل (۱۳۹۹) گفتار پژوهی شاخص‌های فرهنگی در مکتب شهید سلیمانی، ۷ مهر ۱۳۹۹،
<http://mgt.ihu.ac.ir/index.jsp?fkeyid=&siteid=۸۵>

۱۵. شیرازی، علی (۱۳۹۹)، گفتار پژوهی: سبک زندگی اسلامی در مکتب شهید سلیمانی، ۱۴ مهر ۹۹، <http://mgt.i.hu.ac.ir/index.jsp?fkeyid=&siteid=۸۵&pageid=۱۵&newsview=۸۱۳۸d=>
۱۶. صدر، محمدباقر (۱۳۵۹). انسان مسئول و تاریخ ساز از دیدگاه قرآن، ترجمه محمد مهدی فولادوند، تهران، بنیاد قرآن.
۱۷. صفایی حائری، علی (۱۳۸۸). قیام، قم، لیلہ القدر.
۱۸. طباطبائی، محمدحسین (۱۳۸۶). تفسیر المیزان، ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
۱۹. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، چاپ سوم، ۱۰ جلد، تهران، ناصر خسرو، ۱۳۷۲ ه.ش.
۲۰. کاردان و همکاران (۱۳۸۲) فلسفه تعلیم و تربیت، ج ۱، تهران: سمت، ۵۱۹
۲۱. کارگری، غفور (۱۳۹۹) گفتار پژوهی: مدیریت سرمایه انسانی در مکتب شهید سلیمانی، ۲۹ مهر ۱۳۹۹، <http://mgt.i.hu.ac.ir/index.jsp?fkeyid=&siteid=۸۵&pageid=۲۹&newsview=۸۱۳۸&pageid=۸۵>
۲۲. کریمی، سید عبدالمجید (۱۳۹۹) رفیق خوشبخت ما، مشهد، زائر رضوی.
۲۳. متقی هندی (۱۹۹۸ و) علی بن حسام الدین. کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال، بیروت، دارالکتب العلمیه.
۲۴. محدثی، جواد (۱۳۸۰) اخلاق معاشرت، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۰.
۲۵. مطهری، مرتضی (۱۳۸۳) تعلیم و تربیت در اسلام، چاپ چهل و یکم، تهران، صدرا.
۲۶. مطهری، مرتضی (۱۳۶۱) مجموعه آثار شهید مطهری، ج ۵، قم: صدرا.
۲۷. مطهری، مرتضی (۱۳۷۸) ولاء ها و ولایتها، قم: صدرا.
۲۸. معروفی، حسین (۱۳۹۹) گفتار پژوهی: دستاوردهای شهید سلیمانی در دوران دفاع مقدس، ۱۳۹۹/۶/۲۶، <http://mgt.i.hu.ac.ir/index.jsp?fkeyid=&siteid=۸۵&pageid=۲۸&newsview=۸۰۶۴d=>
۲۹. مکتب حاج قاسم، بنیاد حفظ و نشر آثار شهید سپهبد قاسم سلیمانی، <https://www.soleimany.ir> /۱۳۹۹/۱۰/۵.
۳۰. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ۲۸ جلد، چاپ دهم، تهران، دار الکتب الإسلامیه، ۱۳۷۱.
۳۱. مکی العاملی، محمد بن جمال الدین (۱۴۱۰ق) الروضه البهیة فی شرح اللمعه الدمشقیه، چاپ اول، قم، انتشارات داوری، ۱۴۱۰ ه.ق، ج ۲.

منابع انگلیسی

۱. Braun, V. & Clarke, V. (2006), "Using thematic analysis in psychology", Qualitative Research in Psychology, Vol. 3, No. 2, Pp. 77-101.